

الحسین بن علی علیه السلام

چرا دشمنان امام حسین علیه السلام را وقتی بر سر پیکر یاران خود حاضر می شد نمی کشتند؟

اولاً: در مقاتل آمده وقتی امام (علیه السلام) می خواستند بر بالین شهدا حاضر شوند ابتدا دشمن را پراکنده می کردند بعد به سمت شهدا می رفتند؛ چنانکه در وصف شهادت حضرت قاسم آمده که امام (علیه السلام) مانند باز شکاری خود را به او رساند و مانند شیری خشمگین به دشمن حمله برد. یا در باب شهادت حضرت علی اکبر آمده که امام (علیه السلام) با سپاه جنگید تا خود را به بالین علی اکبر رسانید. همچنین در بیان شهادت حضرت عباس (علیه السلام) آمده وقتی امام علیه السلام کنار پیکر ایشان بودند، دشمن ایشان را محاصره کرد. امام (علیه السلام) به سمت دشمن حمله کردند و از چپ و راست به دشمن ضربه می زدند تا اینکه دشمن فرار کرد. در این هنگام امام (علیه السلام) فرمودند: کجا فرار می کنید، شما که برادرم را کشتید، شما که بازویم را قطع نمودید، کجا فرار می کنید.

با استعانت از خداوند و با نام او می دانیم که هرروز از دهه ی عاشورا، منتسب به یکی از شهیدان کربلا است؛ پس فرصت را غنیمت شمرده و هرروز را به پرشش و پاسخ پیرامون یکی از آنها اختصاص می دهیم.

روز پنجم: عبدالله بن حسن علیه السلام یا یاران حضرت

عبدالله بن حسن از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام، در روز عاشورا هنگامی که امام حسین (علیه السلام) در میدان و محاصره دشمن بود، خود را به عمویش رساند و حضرت زینب (سلام الله علیها) نتوانست مانع رفتن شود، عبدالله دست خود را جلوی ضربه شمشیر بحر بن کعب تیمی که قصد کشتن امام را داشت، قرار داد. با این ضربه، دستش قطع شد و در حالی که در آغوش عمویش بود حمله بن کاهل اسدی او را با تیری هدف قرار داد و به شهادت رساند.

امام حسین (علیه السلام) او را در آغوش گرفت و فرمود: ای فرزند برادر صبر پیشه کن و این واقعه را برای خودت خیر بدان زیرا خداوند تو را به پدران صالحت ملحق می سازد.

درباره تاریخ ولادت عبدالله بن حسن (علیه السلام) اطلاعی در دست نیست؛ اما نوشته اند که او به هنگام شهادت به سن بلوغ نرسیده بود.



بل من دابین عن حرم رسول الله

آیا دلمی هست تا از حرم پیامبر دفاع نماید؟

پایخ به چند شبهه پیرامون عاشورا

معاونت پژوهش مدرسه علمیه فاطمه الزهرا - سلام الله علیها - آبادان

ثانیاً: در زمانی که هنوز اصحاب امام حسین (علیه السلام) زنده بودند، امام (علیه السلام) را در کنار بالین شهدا همراهی می کردند؛ یا اینکه ابتدا اصحاب وارد قتلگاه می شدند و آنجا پیکر شهدا یا مجروحان را به سمت خیمه گاه می آوردند؛ بنابراین گاهی امام (علیه السلام) دور از دشمنان بر بالین پیکر شهدا حاضر می شدند.

ثالثاً: در جریان عاشورا، عمر بن سعد از طرف عبیدالله بن زیاد مأمور بود، عرصه را بر آن حضرت تنگ بگیرد تا شاید امام (علیه السلام) تسلیم شوند. گویا تصور می کردند اگر اوضاع بر امام حسین (علیه السلام) سخت شود از تصمیمش برمی گردد و با یزید بیعت می کند.

رابعاً: آن زمان جنگها قواعد مخصوص به خود را داشت و معمولاً فرماندهان جنگی خود را ملزم به آن قوانین می دانستند. یکی از اصول نبرد در آن روزگار، جنگ تن به تن بود. در مورد روز عاشورا هم اگرچه بارها از قواعد جنگی و رسم عرب تخطی کردند و در همان حمله اول تعداد زیادی از یاران امام حسین (علیه السلام) را به شهادت رساندند، یا اینکه در هنگام اقامه نماز ظهر عاشورا به سوی امام (علیه السلام) تیراندازی کردند، با این حال سربازان موظف بودند از فرماندهی خود اطاعت کنند و اگر در مواقعی هم امام را تنها مشاهده می کردند، حق نداشتند بدون دستور فرمانده به امام (علیه السلام) حمله یا تیراندازی کنند.

وقتی شهادت امام حسین علیه السلام مشخص بود، چه لزومی داشت اصحاب به میدان بروند؟

باید توجه داشت که دفاع از جان امام (علیه السلام) واجب است؛ لذا بر مردم زمان لازم بود تا از جان سیدالشهدا علیه السلام دفاع کنند؛ با این حال فقط تعداد اندکی در کربلا برای حفظ جان امام حاضر شدند و آنان خود را جان فدای امام حسین می دانستند. ضمن اینکه مقام شهادت در رکاب امام (علیه السلام) از بالاترین و گرامی ترین مرگهاست به همین جهت اصحاب امام (علیه السلام) با وجود اینکه امام بیعت را از گردن آنها برداشت، باز حاضر نشدند ایشان را رها و تنها بگذارند و تا آخرین نفس امام (علیه السلام) را یاری نمودند.

چرا امام حسین (علیه السلام) در حالی که به دلیل موسم حج، بهترین زمان برای تبلیغ و یارگیری بوده است، مکه را ترک کردند؟

به طور خلاصه می توانیم علل این تصمیم ناگهانی را چنین ذکر کنیم:

۱. احتمال خطر جانی

از برخی عبارات امام حسین علیه السلام - که در مقابل دیدگاه شخصیت های مختلفی که با بیرون رفتن آن حضرت از مکه و حرکت به سوی کوفه مخالف بودند، ابراز شده - چنین برمی آید که امام علیه السلام ماندن بیشتر در مکه را مساوی با بروز خطر جانی برای خود می دانست؛

چنان که در جواب ابن عباس می فرماید: «کشته شدن در مکانی دیگر برای من دوست داشتنی تر از کشته شدن در مکه است». (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۵۹) در بعضی از متون تاریخی نیز به صراحت سخن از این مطلب به میان آمده که یزید، عده ای را همراه با سلاح های فراوان برای ترور امام حسین علیه السلام در مکه فرستاده بود.

۲. شکسته نشدن حرمت حرم

تذکر این نکته از سوی امام حسین علیه السلام در عبارات نقل شده از آن حضرت وجود دارد که نمی خواهد حرمت حرم امن الهی، با ریخته شدن خون او در آن شکسته شود؛ گرچه در این میان گناه بزرگ از آن قاتلان و جنایتکاران اموی باشد. (ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۵۴۶)

